

توانا؛ نخستین جشنواره ادبی رمان کودک و نوجوان

گزارشی از برنامه پایانی «نخستین جشنواره ادبی رمان کودک و نوجوان»



و علاقه‌مندی نویسندگان و داستان‌نویسان به ادبیات کودک راه‌اندازی شده بود. شش داستان‌نویس داور این جشنواره را به عهده داشتند که محمدحسین محمدی، عزیزالله نهفته و بتول سید حیدری داوران بخش زبان فارسی دری و شریفه پاسون، بصیراحمد احمدی و علم‌گل سحر داوران بخش زبان پشتو بودند.

به گفته مسئولان، در «نخستین جشنواره ادبی رمان کودک و نوجوان» ۱۳۲ نویسنده از داخل و خارج کشور داستان فرستاده بودند. در مرحله نخست بیست داستان از میان ۱۳۲ داستانی که به آدرس دبیرخانه جشنواره فرستاده شده بودند، برگزیده شدند. در این میان ده داستان آن به زبان فارسی دری و ده داستان دیگر به زبان پشتو بودند. به همین ترتیب، در مرحله دوم هشت داستان برتر از میان بیست داستان دور اول برگزیده شدند و باقی دوازده داستان دیگر از روند حذف شدند. از هشت داستان راه‌یافته به مرحله نهایی، چهار داستان به زبان فارسی دری و چهار داستان دیگر به زبان پشتو هستند. هشت داستان‌نویسی که آثارشان به مرحله

آیین پایانی «نخستین جشنواره ادبی رمان کودک و نوجوان» به تاریخ بیست‌ونهم مردادماه سال ۱۳۹۷ خورشیدی در «مرکز معلومات افغانستان» در دانشگاه کابل برگزار شد. در این محفل کارشناسان ادبیات داستانی، استادان دانشگاه، نویسندگان و شرکت‌کنندگان اولین جشنواره ادبی رمان کودک و نوجوان حضور یافته بودند و کاظم حمیدی رسا، مسئول برگزاری جشنواره، حسین حیدریگی، داستان‌نویس و مدیرمسئول مجله ادبیات معاصر، نظری پریانی، شریفه پاسون و بتول سید حیدری از اعضای هیأت‌داوران، به ترتیب در مورد روند کاری گزینش، ادبیات کودک و پیشینه آن، اهمیت توجه به ادبیات کودک و بایدها و نبایدهای ادبیات کودک صحبت کردند.

این جشنواره به تاریخ دهم آبان‌ماه سال ۱۳۹۶ از طرف «مرکز معلومات افغانستان» در دانشگاه کابل به هدف پربار شدن هرچه بیشتر ادبیات کودک، فرهنگ‌سازی تربیت سالم کودکان و نوجوانان، در محراق توجه قرار دادن کودکان و نوجوانان به عنوان رهبران آینده این سرزمین

نهایی راه یافتند، جایزه نقدی یک هزار دلاری و تقدیرنامه به دست آوردند و باقی دوازده نویسنده دیگر تقدیرنامه دریافت کردند. هم‌چنان این هشت اثر برتر در چهار هزار نسخه نیز چاپ شده‌اند و در سراسر افغانستان منتشر خواهند شد.

کاظم حمیدی رسا؛ مسئول برگزاری «جشنواره ادبی رمان کودک و نوجوان» با اشاره به چگونگی روند مسابقه، گفت: «ما بدون در نظر داشت شرایط سنی برای اشتراک‌کنندگان، میدان را برای رقابت آزاد باز گذاشتیم و کاری کردیم که تمام نویسندگانی که به زبان فارسی و پشتو می‌نویسند، شرکت کنند. خواستیم همه کسانی که انگیزه نوشتن دارند، در هر جایی که هستند بتوانند بدون محدودیت سنی در این رقابت آزاد ادبی سهم داشته باشند. این امر سبب شد که شماری از مهاجران هم‌وطن ما نیز از اروپا، آمریکا و کشورهای ایران و پاکستان آثارشان را به دبیرخانه جشنواره بفرستند.»

در ادامه برنامه حسین حیدریبگی، نویسنده رمان «گردابی» و مجموعه داستان «سنگ و سیب» راجع به ادبیات کودک و پیشینه آن در ادبیات افغانستان صحبت کرد و گفت: «در حوزه زبان فارسی دری کارهای بسیار خوب و ارزشمندی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان صورت گرفته‌اند. در حالی که ما نشریه سراج‌الاطفال را خیلی سال‌ها پیش در دوره حبیب‌الله خان داشتیم و در ضمیمه سراج‌الاطفال منتشر می‌شد؛ اگرچند نشریه متعلق به کودک و نوجوان بود؛ اما بیشتر نگاه ارشادی و تعلیمی نسبت به آن‌ها داشت. به شکل نمایشی و به شکلی که ذات ادبیات کودک و نوجوان در آن مطرح شود نبود؛ این یک بنیان‌گذاری بسیار نیکو بود که اگر ما می‌توانستیم از آن زمان تا حالا در این عرصه فعالیت بیشتر می‌داشتیم و اهمیت بیشتری به این حوزه می‌دادیم، بدون شک اکنون به این درجه‌ای نبودیم که هستیم.» حیدریبگی در ادامه سخنانش به عبور از این وضعیت اشاره کرد. به باور ایشان یگانه راه عبور از وضع اسف‌بار کنونی توجه به ادبیات کودک است و بخش بزرگی از فرهنگ‌سازی نیز از طریق ادبیات به صورت کل و ادبیات کودک به صورت خاص ممکن است و می‌شود این نوع از ادبیات را در جامعه نهادینه کرد. به اعتقاد ایشان اگر ما انتظار یک نسل متفاوت‌تر و بهتر از نسل دیروز و امروز را داشته باشیم، این مأمول مستلزم آن است که به کودکان و نوجوانان امروز اهمیت بیشتری بدهیم و سرمایه و زمانی بیشتری صرف کنیم؛ زیرا همین کودکان امروز مردان و زنان فردا و بالاخره مدیران و رهبران آینده‌اند و خواهند بود. به گفته حیدریبگی از طریق ادبیات و توجه به کودکان و نوجوانان است که می‌توان نسل بعدی را خوش‌فکتر و آگاه‌تر از نسل امروز و توسعه‌یافته‌تر و خردمندتر از امروز بار آورد. وی افزود: «به نظر من مسئولیت همه مراکز آموزشی، تحقیقی و فرهنگی این

است که هدفمندانه به دنبال ادبیات کودک و نوجوان باشند و بحث کتاب‌خوانی، آموزش و پرورش ادبیات کودک و نوجوان در برنامه آموزشی قرار بگیرد. چون ما در مینا هم کاستی‌های بسیاری داریم و هنوز به ویژگی‌ها و خصوصیات ادبیات کودک توجه نکرده‌ایم؛ لذا لازم است که در این بخش بیشتر توجه و کار کنیم.»

حیدریبگی در ادامه سخنانش به کاستی‌هایی اشاره کرد که در ادبیات کودک به چشم می‌خورند. به باور ایشان ادبیات کودک دارای یک سلسله ویژگی‌ها و خصوصیات است که در خلق داستان‌های کودکانه و نوجوان باید رعایت شوند. حیدریبگی ویژگی‌های ادبیات کودک را این‌گونه برشمرد: «یکی از ویژگی‌های ادبیات کودک و نوجوان سادگی زبان و بیان است؛ یعنی شعر، داستان و رمان کودک و نوجوان مطابق با ذهن و زبان خود کودک و نوجوان و عاری از تصویرپردازی‌های پیچیده هنری خلق شود. چون ما اگر بیاییم یک بافت هنری و زبانی سختی را در ادبیات کودک و نوجوان به کار ببریم، قطعاً کودک و نوجوان نمی‌خوانند، وقتی کودکان آن‌ها را نخوانند پس ما از هدفی که داشتیم، بازمانده‌ایم و فرهنگ‌سازی هم نتوانسته‌ایم. هم‌چنان کودک و نوجوان را به خواندن هم تشویق نتوانسته‌ایم. آرایه‌پردازی و تصاویر ویژگی دیگر ادبیات کودک و نوجوان است. این یعنی این‌که ما پیچیدگی‌های تصویری و زبانی در شعر و داستان نداشته باشیم. اگر بیاییم در ادبیات کودک و نوجوان مانند مارسل پروست در «جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» زبان‌آزایی داشته باشیم، کودک و نوجوان گیج می‌شوند. زبان و تصاویر باید ساده باشند. تصویرسازی‌هایی که در ادبیات کودک و نوجوان صورت می‌گیرند، می‌بینیم که تک‌رنگ‌اند. کودک و نوجوان کلان‌بین‌اند، فقط تک‌رنگ‌ها را تشخیص می‌دهند و ویژگی سوم، همسانی شعر و قصه با درک و دریافت کودک و نوجوان است. ما باید یک نسبت سنجی‌ای دقیقی از شرایط سنی کودک و نوجوان داشته باشیم؛ یعنی تقسیم‌بندی سنی مطابق به مراحل رشد کودک و نوجوان داشته باشیم و مطابق مقتضیات سنی آن‌ها شعر و داستان بیافرینیم و کتاب تألیف کنیم.»

حیدریبگی در ادامه سخنانش خود از کسانی یادآوری کرد که تا کنون در بخش ادبیات کودک گام‌هایی را برداشته‌اند و کارهایی را هرچند هم پراکنده یا غیر تخصصی، انجام داده‌اند. این کارها هم بیشتر در عالم مهاجرت و در دنیای بیرون از کشور صورت گرفته‌اند. آقای حیدریبگی نشریه‌هایی را که تا کنون در عرصه ادبیات کودک کار کرده‌اند، این‌گونه برشمرد: «سراج‌الاطفال که اولین نشریه بخش اطفال در داخل کشور بود، بیشتر رویکرد ارشادی داشت و زود متوقف شد؛ اما در دوره مهاجرت که هم‌شهریان ما در اقصی نقاط جهان بیشتر در حوزه زبان فارسی ایران ادبیات کودک و نوجوان کار کرده‌اند و نشریه داشته‌اند؛ عبارت‌اند از: «زنگ تفریح» که یکی از نشریه‌های مدرسه‌ای بود؛ کسانی مانند کاظم محقی و غلام‌حسن



«سیاست‌گذاری بلندمدت در زمینه ادبیات کودک و نوجوان» از سوی منتشرکنندگان آن خواند و اظهار امیدواری کرد که در افغانستان مراکز آموزشی چنین سیاست‌گذاری‌هایی را روی دست داشته باشند و به هدف برسند. نشریه‌های کودک و نوجوان بتوانند دوام بیاورند و به تعبیر ایشان تداوم کار در هر زمینه‌ای که باشد، مفید و تأثیرگذار است.

در ادامه محفل نظری پریانی صحبت‌های خود را پیرامون اهمیت برگزاری جشنواره‌هایی از این دست، این‌گونه شروع کرد: «بحث ادبیات کودک در جامعه افغانستان هنوز بسیار غریب است و فهمی درستی در جامعه افغانستان و حتا جامعه دانشجویی افغانستان وجود ندارد.» ایشان خاطر نشان کرد که تا هنوز در حوزه ادبیات کودک کار چندان مؤثر و درخور ستایشی صورت نگرفته است. هنوز گام‌های استواری که ثمر داشته باشند، برداشته نشده است. ایشان افزود: «اگر شما بخواهید بیست سال بعد جامعه مرفه و آگاهی داشته باشید؛ جامعه‌ای که در آن هیچ جوانی به سوی انتحار نرود، لازم است که امروز فضای خانواده‌تان را تغییر بدهید. ادبیات کودک این است. ادبیات کودک در این است که ما کودکان خود را از آن قالب‌های تنگ تعلیم و تربیت و اخلاق که در واقع آن نه تعلیم است و نه تربیت، نجات بدهیم. چیزی را که ما می‌گوییم اخلاق است و توجیه می‌کنیم، سعی می‌کنیم که کودکان خود را نیز بدان سو بکشیم، نمی‌دانیم چگونه بال ذهن و خیال کودکان خود را بسته کردیم و نگذاشتیم که آن‌ها به دنیای دوردست پرواز کنند و نمی‌دانیم چگونه راه پیشرفت جامعه خود را سد کردیم. پدران و مادرانی که دانش‌آموخته‌اند، به ویژه نسلی که در این هفده سال قد کشیدند و تشکیل خانواده دادند، برای تغییر نگرش کودکان‌شان مکلفیت‌هایی

بومان در آن کار می‌کردند و در زمینه شعر و داستان کودک و نوجوان فعال هم هستند. (سوره بچه‌های مسجد) نشریه حوزه هنری ایران بود که چندین شماره‌اش را به ادبیات کودک و نوجوان افغانستان اختصاص دادند. محمدحسین محمدی، بومان، رهیاب، محمود ابراهیمی، موسی ذکی و تعداد دیگر از جمله کسانی بودند که در این زمینه فعالیت می‌کردند. خوشبختانه این‌ها هنوز هم دغدغه ادبیات کودک و نوجوان دارند. «شکوفه‌ها» را محمود رضایی کار می‌کرد. «صدای کودکان» را محمدحسین محمدی و بومان به پیش می‌بردند و در دهه هفتاد چاپ می‌شد. «هم‌صنفی» نشریه کودک و نوجوانی بود که از طرف مدرسه خودگردان شهید بلخی منتشر می‌شد و سید علی عطایی مدیرمسئولی آن را به عهده داشت. چندین سال منتشر می‌شد و خیلی مفید هم واقع شد. هم‌چنان خواننده کودک و نوجوان داشت. «غچی» نشریه دیگری است که محمدحسین محمدی ضمیمه هفته‌نامه همبستگی کار می‌کرد. «پرستوها» را بتول مرادی کار می‌کرد که باز هم نشریه مدرسه‌ای بود. «گلستانه» هم چنان ضمیمه هفته‌نامه وحدت کار می‌شد که محمدحسین محمدی - در هر جایی هست، سرش به سلامت باد - کار می‌کرد. او با وجودی که بیشتر در زمینه ادبیات بزرگسال کار کرده است؛ اما همواره دغدغه ادبیات داشته است و هنوز هم دارد. ایای «پرواز» هفته‌نامه دیگری بود که از طرف اتاق فرهنگی افغانستان منتشر می‌شد. «قاصدک» مدتی کوتاهی منتشر می‌شد و «باغ» که هنوز هم توسط محمدروررجایی منتشر می‌شود. حیدریگی در پایان سخنانش نشر این نشریه‌های کودک و نوجوان را پیش‌زمینه‌های خوب ادبیات کودک خواند و گفت آن‌قدرها دوام پیدا نکردند. ایشان عدم دوام این نشریه‌ها را نداشتن



آن‌ها می‌توان دریافت که بزرگان در آن جای‌ها چه دیدگاهی نسبت به کودکان‌شان دارند. بانو پاسون در ادامه سخنانش مشکلات دیگر کودکان افغانستانی را در تعدد آن‌ها در یک خانواده دانست و گفت در خانواده‌های افغانستانی تعداد کودکان بیش از حد زیادند و باوری غلطی نیز وجود دارد. آن‌ها معتقدند که وزن کودکان را زمین تحمل می‌کند و ضروریات آن‌ها را خداوند می‌رساند، پس چرا فرزند به دنیا نیارند؟ به باور بانو پاسون تعدد کودکان در یک فامیل باعث می‌شود که به آن‌ها به شکل بایدوشاید توجه صورت نگیرد و از تعلیم و تربیت سالم نیز برخوردار نشود.

به همین ترتیب، بتول سید حیدری داور دیگر «نخستین جشنواره ادبی رمان کودک و نوجوان» در مورد شیوه گزینش آثار رسیده به دبیرخانه جشنواره صحبت کرد. ایشان یادآور شد که کیفیت آثار خیلی پایین بود و داوران مجبور شدند سطح خواسته‌ها و انتظارات‌شان را پایین بیاورند و سختگیری کمتری به خرج بدهند. سید حیدری



گفت: «نویسندگانی که نام‌های‌شان به عنوان برندگان این جشنواره بعداً اعلام می‌شوند و آثارشان نیز چاپ و منتشر می‌شوند، فکر نکنند که داوران این جشنواره محمدحسین محمدی، عزیزالله نهفته و... بوده‌اند، توهم این را پیدا نکنند که همه چیز تمام است و من دیگر داستان‌نویس یا رمان‌نویس تمام‌عیار هستم. پروسه داستان‌نویس شدن و رمان‌نویس شدن بسیار سخت است و راهی طولانی دارد.

دارند که اگر این مکلفیت‌ها رعایت نشوند، بدون شک نسل مطلوبی به بار نخواهند آورد.»

نظری پربانی در ادامه سخنانش افزود: «من فکر می‌کنم ادبیات کودک از آن جایی شکل می‌گیرد که کودکان بتوانند بی‌هیچ ترس و هراسی پای تلویزیون‌ها و فیلم‌های مختلف بنشینند و آن‌ها را تماشا کنند.» پربانی گفت کودکان نیازمندند که از اطلاعات به‌روز و جدید در بخش‌های گوناگون آگاه شوند. آن‌ها بدانند که داده‌های تازه و جدید در مورد کره‌های آسمانی، کهکشان، فضاوری و... چه‌اند. دنیاهای تازه‌ای که در غرب کشف می‌شوند، لازم است که آن‌ها را بشناسند. آقای نظری پربانی در ادامه افزود: «وقتی داستان‌نویس یا نویسنده‌ای می‌خواهد برای کودک و نوجوان بنویسد، باید با دو سؤال مواجه شود. نویسنده شاید دکتری باشد، آیا خودش به اندازه کودک خرد شود و مثل کودک بیندیشد و برای کودک بنویسد یا از جایگاهی که هست، فکر بکند و برای کودک بنویسد. این دو سؤالی فلسفی و بحث کاملاً روان‌شناسانه و هستی‌شناسانه و پدیدارشناسانه است؛ اما باور من این است که برای خلق ادبیات کودک که درخور فهم آن‌ها باشد، نویسندگان و شاعران ما در ادامه این دو سطح فکر قرار بگیرند و تلفیقی از قرار دادن خود به جای کودک و قرار داشتن در جای خود؛ اما فکر کردن برای کودک، این می‌تواند یک بستر خوبی فکری را برای کودکان ما فراهم کند.»

نکته دیگری که ایشان بدان اشاره کرد، تمسک جستن نویسندگان به ادبیات پربار فارسی دری بود. به باور ایشان برای خلق ادبیات بهتر برای کودکان - که از غنای فارسی دری و پرباری بیشتری برخوردار باشد - نویسندگان باید به گذشته ادبی این زبان برگردند و از متن‌های غنی و آموزنده زبان فارسی دری بهره گیرند. این آموزه‌ها را به شکل زیبا و هنرمندانه‌ای به نسل امروز و فردا پیشکش کند. آقای پربانی اضافه کرد، بر خلاف روش نادرست نظام معارف کشور که آدم‌های کم‌تجربه و کم‌دانش را برای تدریس صنف‌های پایین می‌فرستد، باید آدم‌های باتجربه و آگاه را برای تدریس کودکان بگمارد؛ افرادی که دکترای روان‌شناسی تربیتی و تحصیل عالی‌اندیشه در عرصه آموزش و پرورش داشته باشند. ایشان از روشی که افراد خام و ناتوان را برای تدریس کودکان می‌گمارند، انتقاد کرد و آن را نادرست خواند. به باور ایشان این کار کم‌توجهی به کودکان و آینده آن‌ها است.

هم‌چنان شریفه پاسون، یکی از داوران این جشنواره در مورد مشکلات کودکان در خانواده‌های افغانستانی صحبت کرد. ایشان تأکید کرد که در قریه‌ها و ده‌ها به کودکان و خردسالان آن‌قدرها اهمیت داده نمی‌شود و گاهی در بعضی مناطق، هنگام گفت‌وگوهای‌شان به کودکان «حیوانکان» می‌گویند. از این تعبیر

«امیدوار هستیم این جشنواره که در نوع خودش در افغانستان اولین و نخستین جشنواره است، بایی بشود برای این که ما با نسل تازه و قلم به دستی در حوزه کودک و نوجوان روبه رو بشویم. این روند ادامه پیدا کند و بزرگانی که در عرصه داستان نویسی قلم می‌زنند، بافت‌ها و تجربه‌های خود را با این عزیزان شریک بکنند و این‌ها هم پی گیری کنند و دنبال استعداد خودشان بروند.» سید حیدری در پایان سخنانش از تمام دست‌اندرکاران این جشنواره تشکر کرد.

در ادامهٔ محفل جایزهٔ نقدی و تقدیرنامه به برندگان «نخستین جشنواره ادبی رمان کودک و نوجوان» و تقدیرنامه‌هایی هم به نویسندگان برتری که نتوانستند در دور نهایی راه یابند، اهدا شدند. «معجزهٔ موسی» اثر زهرا نعیمی دانش‌جوی افغانستانی ساکن مشهد ایران، «شهزاده و کتاب سرنوشت» اثر فریده محبی، «جلاد آن‌سوی راه شیری» اثر سمیع‌الدین عمار و «شهریار» اثر رضا پارسا از میان اثرهای زبان فارسی در برندهٔ این دور دانسته شدند. هم‌چنان «کبی او مونوک»، اثر محب‌الله زغم، «سوله او طبیعت»، اثر نعیمه غنی، «د پیریانو کلی» اثر گل‌رحمان رحمانی و «لاربنود او ستره پینبه» اثر عبدالله الهام از میان آثاری که به زبان پشتو فرستاده شده بودند، شایستهٔ جایزه و تقدیر دانسته شدند. دوازده نویسندهٔ دیگر نیز با اهدای تقدیرنامه‌هایی تقدیر شدند.

ادارهٔ مجله

همان‌گونه که خیلی‌ها در فضای سینما و تئاتر می‌گویند که من سال‌ها خاک صحنه خوردم تا یک بازیگر و سینماگر شدم، در زمینهٔ نوشتن هم به همین شکل است.» به باور سید حیدری این نویسندگان اگر مایل به نوشتن باشند و اگر علاقه‌مندی کار در زمینهٔ ادبیات کودک را در سر پیروانند، اگر پشت‌کار و استمرار به خرج دهند، کارشان از این بعد به مراتب سخت‌تر خواهد بود؛ زیرا نویسندهٔ خوب شدن مستلزم کار و کوشش و زحمت و تلاش فراوان است.

بتول سید حیدری افزود: «حوزهٔ ادبیات کودکان بیش‌ازاندازه فقیر است و تا هنوز کار شاخصی صورت نگرفته است.» به گفتهٔ سید حیدری اکثر کسانی که فکر می‌کنند در حوزهٔ ادبیات کودک می‌نویسند و کار می‌کنند، برای کودکان نمی‌نویسند، بلکه دربارهٔ کودکان می‌نویسند. بزرگ‌سالانی که اکنون در حوزهٔ ادبیات کودک کار می‌کنند، به دلیل وضع نامناسب اجتماعی و جنگ‌های خانمان‌سوز داخلی آن‌ها کودکی نکرده‌اند و فضاها و دنیاهایی را که برای کودکان جالب و جذاب‌اند، تجربه نکرده‌اند و نمی‌توانند دنیا یا فضایی بیافرینند که ذهن کودکان امروز را به این دنیاهای بکشانشانند. بنابر نتیجه‌گیری سید حیدری کار این‌ها نیز کامل نیست و آن‌گونه که باید و شاید آثار مفید و ارزنده آفریده نمی‌توانند. ایشان افزود:

